**موضوع: ناامیدی اجتماعی**

واژگان کلیدی: ناامیدی اجتماعی، دلایل ایجاد ناامیدی اجتماعی

**بیان مسئله:**

مساله ای که خیلی در حال رشد است مساله ناامیدی اجتماعی که از قشر تحصیل کرده جامعه تا نوجوانان را در برگرفته است، مسائلی هست که غیر قابل انکار اس، اینکه ما در یک کشور در حال توسعه زندگی میکنیم و خیلی کمبودها هست، اما به نظر شما فقط ایران درگیر این کمبودهاست؟ می تواند یکی از دلایل هم بی اعتمادی اجتماعی باشد... که متاسفانه در کشور من در حال فزونی ست. سوال اینکه ... باید منتظر تبلیغات باشیم... نباید خودمون فکرمون را بازتاب کنیم...؟؟؟؟

**مبانی نظری:**

باید از نظر جامعه شناسی و مددکاری بررسی کنیم تا به مشکل خاصی بر نخوریم.

نا امیدی اجتماعی به فاکتورهای مختلفی وابسته هست...

یکی از فاکتورهای بسیار مهم در این امر تفاوت بین نسلهاست. ایران جوانترین نسل دنیاست و کمبود نسل الگو متاسفانه در ایران کم هست و یا فقط قشر خاصی هست...

فاکتور مهم بعدی تغییر ارزشها ست. من بارها گفتم در این صفحه ها که با جهانی شدن ارزشها، سفرهای ایرانیان به خارج از کشور، واردات فیلمها، واردات ارزشها، واردات اینترنت و باز شدن مرزهای فکری، واردات مواد مخدر مختلف، واردات ارزشهای جنسی، تغییر شکل و فرم زندگیها فقط مثبت نبود بلکه در جامعه ایران بر خورد با این ارزشها دچار چالش شده و آموزش استفاده صحیح و بازتاب ارزشها متاسفانه به اندازه کافی صورت نمیگیرد که این باعث رکود اجتماعی میشود. قطعا هزاران مورد دیگه در اینجا قابل ذکر هست... کمبود آگاهی یکی از این عوامل میتواند باشد...

وقتی انسان نمی تواند به خواسته اش برسد اولین مرحله ناکامی پیش می آید، شاید ما نمیتوانیم راه حلی برای این ناکامی پیدا کنیم و ناامیدی پیش میاد...

نا امیدی اجتماعی به یک عامل ختم نمیشود. بسیاری از کشورها با این معضل مواجه هستند. وجود جنگ و پایمال کردن حق اقلیت ها و آزادی عمل و گفتار و .... هزاران عامل دیگه...

دکتر جلالی: نا امیدی اجتماعی! خود سوزی یک دستفروش در تهران: در یکی دو روز گذشته فیلمی وحشتناک از خودسوزی یک دستفروش در انظار عمومی و در شبکه های اجتماعی دیده می شود. دستفروش در اعتراض به ممانعت ماموران شهرداری از کار دستفروشان در خیابانها، خود را به آتش کشید. ناامیدی باید به کدام نقطه برسد تا چنین فاجعه ای رخ دهد؟

آنجایی که کار برای سیر کردن شکم نیست. اراده ای برای رفع مشکل انسانهای ضعیف وجود ندارد. دغدغه ای برای حمایت های اجتماعی وجود ندارد و آسیب دیدگان اجتماعی حتی زمانی که خود آستین بالا می زنند تا زنده بمانند، حاکمیت از روی جهل و فقدان مسئولیت اجتماعی آخرین کور سوی امید را به تاریکی می کشانند و انسان درمانده وناامید به پایان زندگی می رسد. قطعا در تحلیل پدیده های اجتماعی ما با تک متغیر ها بعنوان علل روبرو نیستیم. اما بعد از بیش از 25 سال کار در کوچه پس کوچه های حوزه اجتماعی بویژه آسیبهای اجتماعی این کشور با قاطعیت به این نتیجه رسیده ام که ریشه اصلی ناامیدی و سایر آسیب های اجتماعی کشور، ریشه در فقر اقتصادی دارد.

فقر یکی از عوامل ناامیدی اجتماعی و عدم اعتمادی در میان کسانی که از رفاه و آگاهی نسبی برخوردارند زیاد هست.

بالا بردن آگاهی میتواند در حرکتهای مثبت جامعه نقش داشته باشد اگر فاکتورهای دیگه هم طبیعتا بررسی بشوند.

بحران های اجتماعی بزرگ از جنگ های جهانی شروع شد. بحران ها همیشه بودند، ولی امروزه به لطف اخبار سریعتر مطلع می شویم. فقر از عوامل مهم نا امیدی هست...

در هر حال توانمندی انسان در همه شرایط را می پذیریم مددکاری هم بر همین اصل است اما اگر شرایط حداقلی فراهم باشد رفع نیازهای پایه مهیا باشد مراحل آتی آسانتر است.

بیشترین ناامیدی در بین طبقه آگاهان جامعه است. چرا؟ شاید به خاطر اختلاط تز و آنتی تزهای ترویجی جامعه در بستر زمان است. یعنی یک فاکتور اخلاقی تبلیغ شده در بستر زمان توسط همان تبلیغ کننده نقض می شود و بطن جامعه را دچار اختلاط الگو میکند... و یکی از اساسی ترین علت‌ها تبدیل ارزشهای اجتماعی به ارزشهای شخصی است. ارزشهای شخصی را نباید دست کم گرفت ....

در مبحث ناامیدی اجتماعی ابعاد مختلفی تأثیرگذار هستند و در بین تحصیلکردگان و روشنفکران اجتماعی بیشتر وجود دارد، مسلما همینگونه است و بالا بودن سطح اطلاعات اجتماعی(مطلع بودن) خصوصا در موارد خاص منجر به ایجاد یک ناامیدی خاص می گردد.

دکتر ستودگان: من به یارانه ها فکر میکنم در ایران که بمبی شد در مددکاری اروپا که ایران حقوق ثابت به مردم هدیه میکند... بدون در نظر گرفتن زوایای گرانی آب و برق و گاز ....

و بعد از گروهی حذف شد و این نابرابری ها نه بخاطر مبلغ ناچیزش بلکه بخاطر ارزش شهروندی صدمه ای بود به مردم... نا امیدی اجتماعی ...

خصوصا وقتی که به این نتیجه برسد که نمیتواند هیچگونه تغییری ایجاد کند!

و امروز با توجه به بمباران اطلاعات جوامع از طریق گسترش مبحث فناوری اطلاعات و افزایش اطلاعات خاص اجتماعی، ناامیدی اجتماعی نیز در سطح جهانی افزایش چشمگیری داشته است

و از طرفی این ناامیدی اجتماعی تحت الشعاع مباحثی همچون نبود رفاه اجتماعی لازم و کافی برای اقشار مختلف و خلاء بزرگ نشاط اجتماعی در جوامعی چون ایران بسیار بسیار بیشتر و محسوس تر خواهد بود.

در کنار عوامل مطرح شده، بحث حمایتهای اجتماعی را هم اگه بگذاریم کاملتر میشود، وقتی ببینی که در جامعه در هر زمینه ای که باشد چه اشتغال و چه بقیه نیاز ها حمایتها کم هست و یا اصلا نیست و اینکه فرد خودش را تنها میبیند به ناامیدی اجتماعی میرسد و این یعنی آغاز مشکلات...

در طول زمان ده یا بیست ساله، ما بر حسب مناسبات دینی و فرهنگی و خانوادگی قالبی برای زندگی در جامعه میسازیم. اما در طول زمان جامعه با قالب ما نمیسازد اما در آموزه های تئوریک همان قالبها تبلیغ و ترویج میشود... اختلاط ناشی از قالب خود ساخته برحسب نیاز جامعه و عدم مطابقت ان با بطن جامعه نوعی پریشانی... محافظه کاری آزاردهنده و ناامیدی اجتماعی به دنبال می آورد. یعنی ارزشهای اجتماعی یا قالبهای اجتماعی به ارزشهای شخصی و قالب های فردی تبدیل میشود و ارزشهای آموخته اثرش را در باورها از دست میدهد. فرد آسیب دیده شاید درمانش راحت تر باشه ولی جامعه آسیب دیده مثل مادر مسموم است که به بچه اگر شیر ندهد بچه از گرسنگی میمیرد و آگه شیر بده از سم...

با تغییرات در یکایک گزینه های سیستم subsystem میشود سیستم بزرگ را تغییر داد. هر کسی باید از خودش شروع کند و به عملکرد خودش ایمان داشته باشد در بهبود اجتماع.

در ابتدا باید تعریف مان از فرهنگ را مطرح کنیم. فرهنگ مجموعه ارزشهای حاکم بر جامعه هستش.... اگر شما نخواهید جلو بروید چه فرهنگ هم بخش مثبت داره هم منفی... در برخی تعاریف، فرهنگ دربرگیرنده ی اعتقادات، ارزشها و اخلاق و رفتارهای متأثر از این سه، و همچنین آداب و رسوم و عرف یک جامعه معین تعریف می شود. در گونه ای دیگر از تعاریف، آداب و رسوم شالوده اصلی فرهنگ تلقی می شود و صرفاً ظواهر رفتارها، بدون در نظر گرفتن پایه های اعتقادی آن، به عنوان فرهنگ یک جامعه معرفی می گردد.

و بالاخره در پاره ای دیگر از تعاریف، فرهنگ به عنوان «عاملی که به زندگی انسان معنا و جهت می دهد» شناخته می شود.

دزدی گناه = این یک ارزش اجتماعی ولی ممکن ارزش شخصی نباشد

زنا حرام = این یک ارزش اجتماعی هست

دروغ گناه = این یک ارزش هست

اخلاق = وقتی شما ارزش را زیر سوال ببرید

وقتی بگید چرا دزدی گناه وارد بحث اخلاق شدی چون باید جواب داد چرا....

فرهنگ مثل یک فاکتور نسبی هست هم در بستر زمان و هم در جوامع متفاوت هست. درخواست شما این هست که مددکاری نسخه ای برای دردهای حال حاضر ایران بپیچد بدون دست زدن به فرهنگش...فرهنگی که در طول زمان ناخالصی هایی داشته است و باید هرس شود...صد البته که هر تغییری در جامعه تاوان دارد..خوردن قرص ضد بارداری در کنار کارکرد تنظیم زادو ولد عوارضی مثل خونریزی مغزی و یا عوارض هورمونی دارد

مددکاری دقیقا رشته ای هست که پاشنه آشیل جوامع را پیدا میکند و از انجا برای تغییر وارد میشود.

**تهیه کننده: شیوا مرادی | منبع: گروه بزرگ مددکاران اجتماعی ایران در تلگرام**